

شبح تابناک مرد

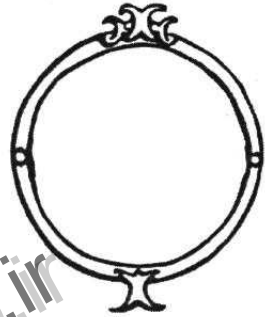


نمایشنامه



مهراد مهرکیش

۲۳



- سرشناسه : مهرکیش، مهرداد، ۱۳۷۰
- عنوان و نام پدیدآور : شیخ تابناک مرد/تویندم مهرداد مهرکیش.
- مشخصات نشر : تهران: نشر نودا، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۱۰۴ص.
- فروست : ادبیات نمایشی.نمایشنامه ایرانی؛ ۷۳.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۴۹-۸۹-۴
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : بالای عنوان: نمایشنامه.
- موضوع : نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
- th century ۲۰ Persian drama --
- رده بندی کنگره : ۸۳۶۱ PIR
- رده بندی دیویی : ۶۲/۲۴۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۴۷۳۲۶



شیخ تابناک مرد

نویسنده: مهرداد مهرکیس |

دبیر مجموعه: رضا گشتاسب |

جواب اول: ۱۴۰۰ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه |

ویراستار و صفحه آرایی: مهسا محجوب لاله |

مدیر فنی چاپ: حمید جوکار |

طراح جلد: امین کرمی زاده |

چاپ و صحافی: نوذا |

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۴۹-۸۹-۴ |

قیمت: بیست و پنج هزار تومان |

| هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است |

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

تهران: هفت تیر، خ مفتح شمالی، خ ملایری، خ زیرک زاده، پ ۱۵، واحد ۱

بخش و هماهنگی فروش: ۰۹۳۳۳۹۳۴۹۴۶

www.nodapub.com



t.me/nodapub1396



@nodapublication

مقدمه

اولین بار در سال ۱۳۸۶ خورشیدی توسط استاد متوفی خود علیرضا احمدزاده عزیزم - که روحش قرین رحمت باد - با نمایشنامه‌ی آوازه‌خوان طاس اوژن یونسکو^۱ آشنا شدم. به خاطر دارم در آن زمان در میان خیل دانشجویانی که نمایشنامه به نظرشان کلافه کننده و بی‌معنی می‌آمد شیفته‌ی آن شدم. مسئله این بود که همه به دنبال منطقی در متن می‌گشتند و همین جستجو، آنها را از درک لذتی که یک نمایشنامه‌ی ابزورد^۲ به انسان می‌دهد باز می‌داشت. بعدها، با گذر زمان و مطالعه‌ی نمایشنامه‌های بیشتری در این فرم، متوجه شدم که هر بار، این نوع نمایشنامه‌ها وجود مرا لبریز از شگفتی می‌کنند. این گونه به نظر می‌آمد که ابزورد بهترین راه برای بیان اعماق کشف نشده‌ی انسان مدرن است. این شیفتگی به متون ابزورد ادامه داشت تا اینکه روزی ناخودآگاه قلم را روی کاغذ گذاشتم و زمانی که بعد از چند روز به خود آمدم، با نمایشنامه‌ی پیش رو یعنی «بی‌همه‌چیزها» مواجه شدم. در ابتدا نمایشنامه‌ام دیگری داشت «یک دوره‌می ساده یا لطفاً به پیپ من دست نزنید» اما بعدها، در طول تمرینی که با گروه‌ام برای اجرا اثر داشتم، ترجیح دادم نام آن را تغییر بدهم.

دوست دارم در این مقدمه بیشتر دلیل علاقه‌ام به اینگونه متون را باز کنم و دیدگاه خودم را راجع به ابزورد ارائه بدهم. اما پیش از آن لازم میدانم برای خواننده‌ی کنجکاو کمی از خواستگاه و تاریخچه‌ی تئاتر ابزورد توضیح بدهم. به‌طورقطع، بررسی و شناسایی جزئیات بیشتر در زمینه‌ی ظهور و شکل‌گیری این

Eugene Ionesco^۱ نمایشنامه‌نویس و نویسنده فرانسوی با اصلیت رومانیایی

^۲ Absurd

سبک، می‌تواند تا حدود زیادی از ایجاد حس سردرگمی در مخاطبینی که برای اولین بار با این آثار مواجه می‌شوند جلوگیری کند.

تئاتر اِبسورد یا اِبزورد در فارسی معمولاً تئاتر «معنا باخته» یا تئاتر «پوچی» ترجمه شده است.^۱

این جهت‌گیری تئاتری برجسته در اواخر دهه‌ی پنجاه قرن بیستم میلادی در فرانسه شکل گرفت. سردمداران این نوع از نگرش تئاتری کسانی مانند ساموئل بکت^۲، اوژن یونسکو، آرتور آداموف^۳، ژان ژنه^۴ و هارولد پینتر^۵ بودند. البته که نباید نقش آلبر کامو^۶ را در شکل‌گیری این نوع از نمایشنامه نادیده گرفت. کامو برای اولین بار از واژه‌ی اِبسوردیسم در رساله‌ی اسطوره‌ی سیزیف^۷ خود استفاده کرد. کامو در این کتاب به نفرینی اشاره دارد که گریبان سیزیف را گرفته است. او ناچار به تکرار کاری عبث است: تا پایان عمر مجبور است سنگی را با زحمت فراوان به بالای کوهی ببرد، سنگ هر بار پایین می‌غلتد و او به طلسمی گرفتار است که این چرخه را دوباره و دوباره تکرار کند.

در ضمن نباید فراموش کنیم که اِبزورد و اصولاً احساس نیاز به چنین سبکی، بعد از اتفاقاتی مانند دو جنگ جهانی، ظهور فاشیسم در اروپای متمدن، شکست انقلاب روسیه و سر کار آمدن رژیم سرکوبگر کمونیستی شکل گرفته است. درواقع آن زمان اِبزورد نویسان احساس می‌کردند که جهان از معنا خالی

به فرانسه:

le théâtre de L' Absurde

Samuel Beckett^۲ نمایشنامه‌نویس، رمان‌نویس و شاعر ایرلندی

Arthur Adamov^۳ نمایشنامه‌نویس ارمنی-فرانسوی

Jean Genet^۴ شاعر، رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس فرانسوی

Harold Pinter^۵ نمایشنامه‌نویس بریتانیایی

Albert Camus^۶ نویسنده، فیلسوف و روزنامه‌نگار فرانسوی

The Myth of Sisyphus^۷ مقاله‌ای فلسفی اثر آلبر کامو

شده و انسان‌ها تقریباً هر عملی را بدون آگاهی به انجام می‌رسانند. ولی آن کسی که برای اولین بار لقب تئاتر پوچی یا همان تئاتر ایزورد را سر زبان‌ها انداخت، مارتین اسلین^۱ منتقد مجارستانی بود. به هر حال برخی با ترجمه‌ی ایزورد به پوچی موافق نیستند چون معتقدند این نگرش ربطی به پوچ‌گرایی یا همان نهیلیسم^۲ ندارد و بیشتر ریشه در جنبش‌ها و تفکراتی مانند سمبلیسم^۳، اکسپرسیونیسم^۴، اگزیستانسیالیسم^۵، سوررئالیسم^۶ و دادائیسم^۷ دارد. شاید بتوان گفت که صحیح‌ترین برگردان واژه ایزورد را دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی انجام داده و آن «عبث» است. البته که بعدتر آقای ناظرزاده کرمانی ترجمه‌ی تئاتر «آخرالزمانی» را نیز استفاده کرده‌اند؛ اما این مخالفت با نام پوچی فقط به ترجمه‌ی ایزورد به فارسی ختم نمی‌شود و حتی خود یونسکو درجایی می‌گوید: «حیرت آور، نه پوچ. به نظر من عالم وجود همه چیزش منطقی است و پوچ وجود ندارد و خود بودن موجودیت حیرت آور است.»

به هر شکل دلیل این مناقشات این است که خیلی‌ها معتقدند این سبک از نمایش می‌تواند عمیق‌ترین مسائل انسانی را منتقل کند. اعتقادی که من شخصا آن را به‌واقع درک کرده و دریافت‌هام. در ادامه، به نکات دقیق‌تری از ساختار ایزورد اشاره خواهم کرد.

Martin Esslin^۱ تهیه‌کننده، منتقد، نمایشنامه‌نویس و روزنامه‌نگار مجارستانی

Nihilism^۲ در فلسفه هیچ‌انگاری، به معنای انکار معنی و ارزش برای هستی جهان است

Symbolism^۳ نمادگرایی، یکی از مکاتب ادبی و هنری سده نوزدهم، بیان در غالب نمادها و نشانه‌ها

Expressionism^۴ هیجان‌نمایی، بیان‌گرایی. مکتب هنری قرن بیستم

Existentialism^۵ هستی‌گرایی، مکتب فلسفی با محور بر اینکه اندیشیدن فلسفی با موضوع انسان آغاز می‌شود.

نه صرفاً اندیشیدن موضوعی

Surrealism^۶ فراواقع‌گرایی، جنبش هنری قرن بیستم به معنای گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر است

Dadaism^۷ مکتبی ست پوچ‌انگار و هیچ‌گرا متعلق به مهر و موم‌های بعد از جنگ اول